

کتاب صفنیای نبی

کلام خداوند که در ایام یوشیا ابن آمون، پادشاه یهودا، بر صفنیای ابن کوشی ابن جدلیا ابن امریا ابن حزقیایا نازل شد.

اعلام خطر

خداوند می‌گوید که همه چیزها را از روی زمین بالکل هلاک خواهم ساخت. انسان و بهایم را هلاک می‌سازم. مرغان هوا و ماهیان دریا و سنگهای مصادم را با شریران هلاک می‌سازم و انسان را از روی زمین منقطع می‌کنم. قول خداوند این است. دست خود را بر یهودا و بر جمیع سکنه اورشلیم دراز می‌نمایم و بقیه‌ی بعل و اسم‌های مؤبدان و کاهنان را از این مکان منقطع می‌سازم. و آنانی را که لشکر آسمان را بر بام‌ها می‌پرستند، و آن پرستنده‌گان را که به یهوه قسم می‌خورند و آنانی را که به ملکوم سوگند می‌خورند، و آنانی را که از پیروی یهوه مرتد شده‌اند، و آنانی را که خداوند را نمی‌طلبند و از او مسألت نمی‌نمایند.

به حضور خداوند یهوه خاموش باش، زیرا که روز خداوند نزدیک است، چون که خداوند قربانی‌ای مهیا کرده است و دعوت شده‌گان خود را تقدیس نموده است و در روز قربانی خداوند واقع خواهد شد که من بر سروران و پسران پادشاه و همه آنانی که لباس بیگانه می‌پوشند عقوبت خواهم رسانید. در آن روز بر همه آنانی که بر آستانه می‌جهند عقوبت خواهم رسانید و بر آنانی که خانه خداوند خود را از ظلم و فریب پر می‌سازند. و خداوند می‌گوید که در آن روز صدای نعره‌ای از دروازه ماهی و ولوله‌ای از محله دوم و شکستگی عظیمی از تل‌ها مسموع خواهد شد. ای ساکنان مگنیش ولوله نمایید زیرا که تمامی قوم کنعان تلف شده و همه آنانی که نقره را برمی‌دارند منقطع گردیده‌اند. در آن وقت اورشلیم را به چراغ‌ها تفتیش خواهم نمود و بر آنانی که بر دُردهای خود نشسته‌اند و در دل‌های خود می‌گویند خداوند نه نیکویی می‌کند و نه بدی، عقوبت خواهم رسانید. بنابراین، دولت ایشان تاراج و خانه‌های ایشان خراب خواهد شد؛ خانه‌ها بنا خواهند نمود، اما در آن‌ها ساکن نخواهند شد و تاکستان‌ها غرس خواهند کرد، اما شراب آنها را نخواهند نوشید.

روز عظیم خداوند

روز عظیم خداوند نزدیک است، نزدیک است و به زودی هرچه تمام‌تر می‌رسد. آواز روز خداوند مسموع است و مرد زورآور در آن به تلخی فریاد برخواهد آورد. آن روز، روز غضب است، روز تنگی و اضطراب، روز خرابی و ویرانی، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرها و ظلمت غلیظ، روز گرنا و هنگامه جنگ به ضد شهرهای حصاردار و به ضد برج‌های بلند. مردمان را چنان به تنگ می‌آورم که کورانه راه خواهند رفت زیرا که به خداوند گناه ورزیده‌اند. پس خون ایشان مثل غبار و گوشت ایشان مانند سرگین ریخته خواهد شد. در روز غضب خداوند نه نقره و نه طلای ایشان را تواند رها کنید و تمامی جهان از آتش غیرت او سوخته خواهد شد زیرا که بر تمامی ساکنان جهان هلاکتی هولناک وارد خواهد آورد.

ای امتی که حیا ندارید، فراهم آید و جمع بشوید! قبل از آنکه حکم نتاج بیلورد و آن روز مثل کاه بگذرد؛ قبل از آنکه حدت خشم خداوند بر شما وارد آید؛ قبل از آنکه روز خشم خداوند بر شما برسد. ای جمیع حلیمان زمین که احکام او را بجا می‌آورید، عدالت را بطلبید و تواضع را بجوید، شاید که در روز خشم خداوند مستور شوید.

داوری بر فلسطین

زیرا که غزّه متروک می‌شود و اشقلون ویران می‌گردد و اهل اشئود را در وقت ظهر اخراج می‌نمایند و عقرون از ریشه کنده می‌شود. وای بر امت گریبتیان که بر ساحل دریا ساکنند. ای کنعان، ای زمین فلسطینیان کلام خداوند به ضد شما است و من تو را چنان هلاک می‌کنم که کسی در تو ساکن نخواهد بود، و ساحل دریا موضع مرتع‌های شبانان و آغل‌های گوسفندان خواهد بود، و ساحل دریا برای بقیه خاندان یهودا خواهد بود تا در آن بچرند. شبگاهان در خانه‌های اشقلون خواهند خوابید زیرا یهوه خدایشان از ایشان تقصد نموده، اسیران ایشان را باز خواهد آورد.

داوری بر موآب و عمون

ملامت موآب و سرزنش بنی‌عمون را شنیدیم که چگونه قوم مرا ملامت می‌کنند و بر سرحد ایشان فخر می‌نمایند. بنابراین، یهوه صباپوت خدای اسرائیل می‌گوید: به حیات خودم قسم که موآب مثل سدوم و بنی‌عمون مثل عموره خواهد شد. محل خاها و حفره‌های نمک و ویرانی ابدی خواهد شد. بقیه قوم من آن‌ها را غارت خواهند نمود و بقیه امت من ایشان را به تصرف خواهند آورد. این به سبب تکبر ایشان بر ایشان وارد خواهد آمد زیرا که قوم یهوه صباپوت را ملامت نموده، بر ایشان فخر کردند. پس خداوند به ضد ایشان مهیب خواهد بود زیرا که تمامی خدایان جهان را زایل خواهد ساخت و جمیع جزایر امت‌ها هر کدام از جای خود او را عبادت خواهند کرد.

داوری بر حبشیان

و شما نیز ای حبشیان به شمشیر من کشته خواهید شد.

داوری بر آشور

و دست خود را بر زمین شمال دراز کرده، آشور را هلاک خواهد کرد و نینوی را به ویرانی و به زمین خشک مثل بیابان مبدل خواهد نمود و گله‌ها و تمامی حیوانات امت‌ها در میانش خواهند خوابید و مرغ سقا و خارپشت بر تاج‌های ستون‌هایش منزل خواهند گرفت و آواز سراینده از پنجره‌هایش مسموع خواهد شد و خرابی بر آستانه‌هایش خواهد بود زیرا که چوب سرو آزدش را برهنه خواهد کرد. این است شهر فرحناک که در اطمینان ساکن می‌بود و در دل خود می‌گفت: «من هستم و غیر از من دیگری نیست؛ من هستم و غیر از من دیگری نیست.» چگونه خراب شد! خوابگاه حیوانات گردیده است! هر که از آن عبور کند بر آن سخریه کرده، دست خود را خواهد جنبانید!

آینده‌ی اورشلیم

وای بر شهر فتنه انگیز نجس ظلم کننده! آواز را نمی شنود و تأدیب را نمی پذیرد و بر *خداوند* توکل نمی نماید و بر خدای خود تقرب نمی جوید. سرورانش در اندرونش شیران غران و داورانش گرگان شب که چیزی تا صبح باقی نمی گذارند. انبیايش مغرور و خیانتکارند. کاهنانش قدس را نجس می سازند و به شریعت مخالفت می ورزیدند. *خداوند* در اندرونش عادل است و بی انصافی نمی نماید. هر بامداد حکم خود را روشن می سازد و کوتاهی نمی کند، اما مرد ظالم حیا را نمی داند. امتها را منقطع ساخته ام که برج های ایشان خراب شده است و کوچه های ایشان را چنان ویران کرده ام که عبور کننده ای نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. گفتم: کاش که از من می ترسیدی و تأدیب را می پذیرفتی. تا آنکه مسکن او معدوم نمی شد، موافق هر آن چه بر او تعیین نموده بودم. لکن ایشان صبح زود برخاسته، اعمال خود را فاسد گردانیدند. بنابراین *خداوند* می گوید: برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم زیرا که قصد من این است که امتها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد. زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امتها باز خواهد داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند. از ماورای نهرهای حبش پرستنده گانم یعنی دختر پراکنده گانم هدیه ای برای من خواهند آورد. در آن روز از همه اعمالی که به من عصیان ورزیده ای خجل نخواهی شد زیرا که در آن زمان آنانی را که از تکبر تو مسرورند، از میان دور خواهیم کرد و بار دیگر در کوه مقدس من تکبر نخواهی نمود. اما در میان تو قومی ذلیل و مسکین باقی خواهد گذاشت و ایشان بر اسم *خداوند* توکل خواهند نمود و بقیه ای اسرائیل بی انصافی خواهند نمود و دروغ خواهند گفت و در دهان ایشان زبان فریبنده یافت خواهد شد زیرا که ایشان چرا کرده، به آرامی خواهند خوابید و ترساننده ای نخواهد بود.

ای دختر صهیون ترسم! ای اسرائیل آواز شادمانی بده! ای دختر اورشلیم به تمامی دل شادمان شو و وجد نما! *خداوند* عقوبت های تو را برداشته و دشمنانت را دور کرده است. یهوه پادشاه اسرائیل در میان تو است پس بار دیگر بلا را نخواهی دید. در آن روز به اورشلیم گفته خواهد شد که مترس! ای صهیون دست های تو سست نشود! یهوه خدایت در میان تو قدیر است و نجات خواهد داد. او بر تو شادی بسیار خواهد نمود و در محبت خود آرامی خواهد یافت و با سرودها بر تو شادی خواهد نمود. آنانی را که به جهت عیدها محزون می باشند و از آن تو هستند، جمع خواهیم نمود که عار بر ایشان بار سنگین می بود. اینک در آن زمان بر همه آنانی که بر تو ظلم می کردند، مکافات خواهیم رسانید و لنگان را خواهیم رها کنید و رانده شدگان را جمع خواهیم کرد و آنانی را که عار ایشان در تمامی زمین می بود محل تسبیح و اسم خواهیم گردانید. در آن زمان شما را در خواهیم آورد و در آن زمان شما را جمع خواهیم کرد زیرا *خداوند* می گوید: حینی که اسیران شما را به نظر شما باز آورم، آنگاه شما را در میان تمامی قوم های زمین محل اسم و تسبیح خواهیم گردانید.